فصل پنجم : اصالت وجود و اوسعیت نفس الامر از وجود

اصالت وجود در موطن خود مانعی ندارد اما مساله این است که این سوال «آیا اصالت مال وجود است یا ماهیت؟» سوال صحیحی نیست.

چند وجه می تواند صحیح باشد که همه نیز در جای خود حق باشند. در بعضی از منظرها هیچ کدام از این دو اصیل نخواهند بود همان طور که در بعضی از منظرها وجود اصیل است و در بعضی از منظرها وجودات اصیل است. اصالة الوجود در بعضی مناظر می تواند درست باشد و در بعضی مناظر اصالة الوجودات و در برخی اصالة الماهیة دون الوجود می تواند صحیح باشد. یعنی اصالة الماهیة نیز یک وجه صحیح دارد که منافاتی با مباحث و براهین اصالة الوجود ندارد به شرط اینکه برهان را مطلق نکنیم و خروجی برهان به اندازه‌ی برد برهان باشد، نه بیشتر.

در نهایة الحکمة استدلالی که بر اصالت وجود دارند این است:

> **«الوجود هو الأصيل دونَ الماهيّة ، أي إنّه هو الحقيقة العينيّة التي نثبتها بالضرورة.**
>
> **إنّا بعد حَسْم أصل الشكّ والسفسطة وإثبات الأصيل الذي هو واقعيّة الأشياء، أوّلَ ما نرجع إلى الأشياء، نجدها مختلفةً متمايزةً مسلوباً بعضُها عن بعض في عين أنّها جميعاً متّحدةٌ في دفع ما كان يحتمله السوفسطيّ من بطلان الواقعيّة ، فنجد فيها مثلا إنساناً موجوداً، وفرساً موجوداً، وشجراً موجوداً، وعنصراً موجوداً، وشمساً موجودة، وهكذا؛ فلها ماهيّاتٌ محمولةٌ عليها بها يباينُ بعضها بعضا، ووجودٌ محمولٌ عليها مشتركُ المعنى بينها.**
>
> **والماهيّة غير الوجود لان المختص غيرُ المشترك. وأيضاً الماهيّة لا تأبى في ذاتها أن يحمل عليها الوجود وأن يسلب عنها، ولو كانت عين الوجود لم يجز أن تسلب عن نفسها لاستحالة سلب الشيء عن نفسه، فما نجده**

> **في الأشياء من حيثيّة الماهيّة غير ما نجده فيها من حيثيّة الوجود. وإذ ليس لكلِّ واحد من هذه الأشياء إلاّ واقعيّة واحدة، كانت إحدى هاتين الحيثيّتين ـ أعني الماهيّة والوجود ـ بحذاء ما له من الواقعيّة والحقيقة»[1]**

سوال این است: چرا حتما باید یکی از اینها اصل و مابحذاء ما له من الواقعیة و الحقیقة باشد؟ کسی می گوید هیچ یک اصل نیست ممکن است هر دو اعتباری باشد. باید برهان اقامه شود بر اینکه این دو مفهومی که انتزاع کرده ایم حتما باید واقعیت فرد بالذات یکی از این دو باشد، هذا اول الکلام.

وجود حیث اشتراک را نشان می دهد و ماهیت حیث امتیاز را، هر دو هم حیث هستند و منشاء انتزاع هیچ یک نیز اصیل نیستند. آنچه اصیل است واقعیت است. گفته می شود چون یک واقعیت بیشتر نداریم پس یا ماهیت اصیل است و یا وجود:

> **«و هو المراد بالاصالة و الحیثیة الاخری اعتباریة منتزعة من الحیثیة الاصیلة تنسب الیه الواقعیة بالعرض. و اذ کان کل شیئ انما ینال الواقعیة اذا حمل علیه الوجود و اتصف به فالوجود هو الذی یحاذی واقعیة الاشیاء و اما الماهیة فاذا کانت مع الاتصاف بالوجود ذات واقعیة ... .»[2]**

اشیائی را دیدیم، امتیازی داشت و اشتراکی و چون یک واقعیت بیشتر نداریم یکی باید اصیل باشد و چون این جهت اشتراک به شیئ واقعیت می بخشد پس او اصیل است. خروجی برهان این شد: این چیزهایی که ما می بینیم وجودشان نسبت به ماهیتشان اصیل است اما اینکه لا اصیل الا الوجود لازمه‌ایی برهان نیست. نمی توان طبق این برهان گفت هیچ چیز اصالت ندارد غیر از وجود چون برهان کاری به غیر وجود و ماهیت نداشت.

برهان گفت این اشیاء ماهیت دارند و وجود و وجودشان نسبت به ماهیتشان اصیل است در حالی که ادعاء این است: هر کجا بروید هیچ چیز جز وجود پیدا نمی کنید. این برهان به این مقدار دلالت ندارد. آیا همه‌ایاشیاء را می بینید؟ شاید چیز دیگری هم داریم که اصیل است ولی در محدوده ای که ما معاینه کرده ایم اصیل وجود است. نفی اصالت از غیر از وجود در محدوده ای که رصد نکرده ایم از کجای این برهان استفاده می شود؟

مرحوم علامه‌طباطبایی در حاشیه‌اسفار در ترتیب بین دو عدم فرموده اند:

> **«فانما قضیة حقة ثابتة و ان لم یتعقل فی ذهن من الاذهان»[3]**

یعنی ترتب بین اعدام واقعیتی نفس الامری دارد ورا ء ذهن، پس چیزی را پیدا کردیم که عاینا ّه ولی وجود و ماهیت نیست.

حال سوال این است: آن چیزی که حقه ثابته است ماهیت است یا وجود؟ حوزه‌ایشتمال برهان بر اصالت وجود غیر از حوزه‌یحق بودن قضیه‌یترتب دو عدم است. توجه به مواردی که متفکرین موافق ارتکازشان سخن گفته اند مهم است هر چند بعدا تلاش کرده باشند به خاطر حفظ ضوابط کلاس آن ارتکازیات را با ضوابط کلاس تطبیق دهند.

مرحوم علامه‌یطباطبایی در حاشیه بر اسفار عبارت ذیل را موافق ارتکازشان فرموده اند:

> **«و من هنا یظهر ان القضایا نفس الامریة الشاملة الکلیة کقولنا عدم العلة علة لعدم المعلول و الجزئیة کقولنا عدم هذه العلة مطابقة للثابت الاعم من الوجود و الماهیة و الاعتباریات، ظرف الثبوت المطلق هو المعنی بنفس الامر»[4]**

اعتناء و پی گیری امثال همین ارتکازیات سبب می شود که بعض متفکرین راه خود را از ضوابط مدون کلاس جدا کنند. نظیر این امر را مرحوم آخوند در اسفار از علاء الدوله سمنانی نقل می کند که او می گوید: ذات واجب الوجود محیط بالعدم و الوجود لذا حرف ابن عربی که می گوید: «ذات واجب الوجود حقیقة الوجود است» را قبول ندارم.[5]

مرحوم آخوند تلاش می کند بین این دو حرف صلح برقرار کند به این بیان که هر کدام از این دو اراده ای از وجود می کنند. علت اینکه چند طور قصد از وجود می کنند این است که هنوز تحلیل مبادی به خوبی صورت نگرفته است. در فصل بعد درباره‌یمبادی پیدایش کثرت در مشاعر انسانی و تحلیل مفهوم وجود و عدم مطالبی خواهد آمد.

همچنین مرحوم ملا احمد نراقی در «قرة العیون فی مسائل الوجود» از علاء الدوله سمنانی صاحب «العروة» نقل می کند که گفته است: «من مدتها مدافع نظر محی الدین بودم، هر چه ذهنم پیش رفت برایم واضح شد که این حرف درست نیست تا اینکه برایم واضح شد که نمی توان به ذات واجب الوجود اطلاق حقیقة الوجود کرد بلکه او فوق‌مساله‌ی وجود و عدم است».

ممکن است در ذهن علاء الدوله سمنانی تقابل وجود و عدم جلوه کرده باشد. البته نظیر علاء الدوله، سید محمد گیسو دراز است که مثل علاء الدوله از طایفه‌یعرفا بوده است ولی به قول مرحوم نراقی مبنای اصالة الوجودی نداشته است.

همچنین از مواردی که ارتکاز متفکرین متوجه بطلان محض نبودن اعدام شده است موردی است که مرحوم ملا صدرا موافق ارتکازشان اقرار می کنند که عدم ممکن نفی محض نیست، هر چند که بعد از آن سعی دارند با ضوابط مدون کلاس ـ یعنی اصالت وجود ـ آن را تطبیق دهند:

> **«فی کیفیة احتیاج عدم الممکن الی السبب ربما یتشکک فیقال ان رجحان عدم الممکن علی وجوده لو کان لسبب لکان فی العدم تاثیر لکن العدم بطلان صرف یمتنع استناده الی شیئ ثم قولکم عدم الممکن یستند الی عدم علة وجوده یستدعی التمایز بین الاعدام و کونها هویات متعددة بعضها علة و بعضها معلول و حیث لا تمایز و لا اولویة فلا علیة و لا معلولیة فیزاح بان عدم الممکن لیس نفیا محضا».[6]**

همین جا مرحوم علامه‌ی‌طباطبایی ذیل فیزاح حاشیه‌ی‌خوبی دارند که سابقا گذشت.[7]

---

[1] نهایة الحکمة ج ۱ ص ۱۴

[2] نهایة الحکمة ج ۱ ص ۱۵

[3] الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة ج ۱ ص ۲۱۵

[4] همان، ج ۷ ص ۲۷۱

[5] الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة ج ۲ ص ۳۳۳

[6] همان ج ۱ ص ۲۱۵

[7] در صفحه‌ی8 : « فانها قضیة حقة ثابتة و ان لم بتعقل فی ذهن من الاذهان »

بازبینی #1
ایجاد شده 20 فوریه 2025 16:04:01 توسط ... .
به روزرسانی شده 20 فوریه 2025 16:06:30 توسط ... .